

محمد مالجو

تاراج نهان

سلب مالکیت از نیروهای کار در اثر تورم در ایران



فهرست

۷	پیش‌گفتار
۲۳	یکم دوره‌ی ناگیر در بازار پول سلب مالکیت از چه کسانی؟
۴۵	دوم کدام تمایز راه‌گشاست؟
۵۱	سوم «آشفته‌فکری» یا آشفته‌حوانی؟
۷۱	چهارم سلب مالکیت از بیروهای کار در اثر تورم در ایران
۹۳	پنجم اقتصاد ایران ستر توأمان سلب مالکیت و استثمار
۱۳۳	ششم به سوی کارست تحلیل تاریخی مارکس

پیش‌گفتار

برج‌های بالای تورم در اقتصاد ایران اصولاً دهک‌های جمعیتی فقیرتر را فقیرتر و دهک‌های جمعیتی غنی‌تر را غنی‌تر می‌کرده است. این ارزیابی در مجموع درست است اما دقیق نیست. برج‌های بالای تورم عملاً جریان‌های نارتوریع‌کننده‌ای را تحقق می‌بخشیده که مسبب انتقال وسیع انواع ممانع اقتصادی از دستانی به دستانی دیگر می‌شده است. نا ایں حال، جریان‌های نارتوریعی ناشی از بروز برج‌های بالای تورم در اقتصاد ایران سبب پیچیده‌تر از حدی بوده که در عبارت سبب فقیرتر شدن فقرا و غنی‌تر شدن اعیان تحلی یاند.

برای بیل به درکی ژرف‌تر از چنین پیچیدگی‌هایی به مفهومی خاص تشبث حسته‌ام سلب‌مالکیت برج‌های بالای تورم همواره فرآیندهای سلب‌مالکیت از اکثریت به نفع اقلیت را رقم می‌دهد است. فرآیند سلب‌مالکیت بر پنج مؤلفه‌ی کلیدی متبسی است. یکم، موضوع سلب‌مالکیت‌ها که محمل تصاد ممانع در فرآیند سلب‌مالکیت‌هایی را مشخص می‌کرده که بازتاب انتقال ممانع از دستان کسانی به دستان کسانی دیگر بوده است، اما نه از محررای تولید محصولات و خدمات بلکه از محررای نوعی سازوکار تصاحب‌گری که دست‌کم انتدانه‌ساکن یک‌سره نامولد است. دوم، مجموعه‌ی سلب‌مالکیت‌کنندگان که در فرآیند سلب‌مالکیت عملاً یا موضوع سلب‌مالکیت‌ها یا معادل‌شان را به درحات گویاگون در دستان خود متمرکز می‌کرده‌اند. سوم، مجموعه‌ی سلب‌مالکیت‌ها یا سلب‌مالکیت‌شدگان که در فرآیند سلب‌مالکیت یا موضوع سلب‌مالکیت‌ها یا

حسه‌های ماسنات طبقاتی سرمایه‌دارانه در ایران انباشت اولیه به روایت لوکرامبورگ فقط به پیشاتاریخ سرمایه‌داری منحصر نمی‌شد بلکه در دوران سرمایه‌داری نیز در سطحی به مراتب مهم‌تر اما در مستعمرات به وقوع می‌پیوست، حال آن‌که تصاحب به مدد سلب مالکیت از توده‌ها به فقط در دوران سرمایه‌داری بلکه در درون سرمایه‌داری ایران نیز تحقق می‌یابد. انباشت به مدد سلب مالکیت به روایت هاروی گاه درست و گاه نادرست بر انباشت سرمایه‌دارانه متمرکز می‌شد، حال آن‌که تصاحب به مدد سلب مالکیت از توده‌ها فقط باطر بر تمرکز یابی منابع اقتصادی در دستان اقلیت به ریان اکثریت از راه‌هایی غیر از تولید محصولات و خدمات است که بسته به شرایط ممکن است به انباشت سرمایه بیخامد یا بیخامد، چه در اقتصاد ایران و چه در مدارهای بالاتری از ریحیره‌ی انباشت سرمایه در اقتصاد جهانی

حریان‌های نارتوریعی ناشی از برور برح‌های نالای تورم فقط نارتات تحقق یکی از انواع پر شمار مجموعه‌ی ساروکارهایی است که سرجمع‌شان را تصاحب به مدد سلب مالکیت از توده‌ها نام بهاده‌ام برحی از مهم‌ترین انواع این ساروکارها در اقتصاد ایران طی سال‌های پس از انقلاب عبارت است از خصوصی‌سازی، الگوی حلق نقدیگی در بازار متشکل پولی، الگوی حلق نقدیگی در بازار غیرمتشکل پولی، الگوی توزیع تسهیلات در شبکه‌ی بانکی، الگوی توزیع اعتبار در بازار غیرمتشکل پولی، کالایی‌سازی آموزش عالی، کالایی‌سازی آموزش عمومی، کالایی‌سازی سلامت و بهداشت و درمان، کالایی‌سازی مسکن، فساد اقتصادی در نده‌ی دولت، الگوی مالیات‌ستانی، الگوی توزیع محارح دولت، الگوی تعرفه‌گیری، الگوی احد اسواع عوارص، گورستان‌حواری در شهرها، تصرف حریم رودخانه‌ها و روددره‌ها، تعبیر کاربری اراضی کشاورزی، کوه‌حواری و کوهپایه‌حواری، سایر انواع رمین‌حواری، تراکم‌فروشی شهرداری‌ها، استقراض حارحی، حاکم‌شدگی احساری ساکنان از محل زندگی و کارشان، و غیره ساروکارهای تصاحب به مدد سلب مالکیت از توده‌ها سه نوع یا آمیره‌ای از سه نوع منابع اقتصادی را به نفع اقلیت و به ریان اکثریت نارتوریعی می‌کرده است لوازم معاش، انرار تولید، و ثروت اجتماعی همگانی

معادل‌شان را که پیش‌ترها در اختیار داشتند به درحات گوبائون ار کف می‌داده‌اند چهارم، انواع به‌دست‌آورده‌ها که در فرآیند سلب مالکیت به درحات گوبائون در اختیار انواع لایه‌های ناهمگن سلب مالکیت‌کنندگان قرار می‌گرفته است، آن هم یا در قالب خود موضوع سلب مالکیت‌ها یا در قالب معادل‌شان پنجم، انواع اردست‌رفته‌ها که در فرآیند سلب مالکیت به درحات گوبائون ار کف انواع لایه‌های ناهمگن سلب مالکیت‌شدگان حارح می‌شده است، آن هم یا در قالب خود موضوع سلب مالکیت‌ها یا در قالب معادل‌شان

در حلال تششی که به مفهوم سلب مالکیت در تبیین برحی انواع حریان‌های نارتوریعی در اقتصاد ایران، ار حمله حریان‌های نارتوریعی ناشی از برور برح‌های نالای تورم، به عمل آورده‌ام طی سال‌های احیر مفهوم جامع‌تری را پیشهاد کرده‌ام تصاحب به مدد سلب مالکیت از توده‌ها این مفهوم تا حد زیادی ملهم از مجموعه‌ی مفاهیمی است که نا «انباشت اولیه»^۱ به روایت کارل مارکس^۲ آغاز می‌شود و نا «انباشت اولیه» به روایت ژرا لوکرامبورگ^۳ ادامه می‌یابد و به «انباشت به مدد سلب مالکیت»^۴ دیوید هاروی^۵ می‌رسد، هرچند تفاوت‌هایی اساسی با هر سه نیز دارد

انباشت اولیه به روایت مارکس، هم‌چون اسوهی از رویدادهای تاریخی، مشخصاً پیش شرط تاریخی تکوین سرمایه‌داری بود و مشتمل بر مجموعه‌ای از ساروکارها که حدایی تولیدکنندگان مستقیم از انرار تولید و وسایل معاش را در پیشاتاریخ سرمایه‌داری رقم رد، حال آن‌که تصاحب به مدد سلب مالکیت از توده‌ها تکرار ساروکارهای ولو متفاوتی است نا کارکردهایی گاه متشابه و گاه متفاوت در دوران حیات سرمایه‌داری برای تکوین و تعمیق و تحکیم برحی

1 primitive accumulation

2 Karl Marx, *Capital*, Volume I (Moscow Progress Publishers, 1986), part VIII

۳ ژرا لوکرامبورگ، *گرنیده‌هایی از ژرا لوکرامبورگ*، به کوشش سر هودس و کوس ب آندرسن،

برح‌مهی حسن مرصوصی (بهران نکا، ۱۳۸۵) ۸۸ و بعد از آن

4 accumulation by dispossession

5 David Harvey, *The New Imperialism* (Oxford Oxford University Press, 2003), chapter 4



دوراهه‌ی ناگزیر در بارار پول سلب مالکیت از چه کسانی؟

هیچ نشان پررنگی از درایت عمیق درباره‌ی وضع اقتصادی کسوی در سحمان ریس کل بانک مرکزی ایران، که در پیوند نا سته‌ی ارری جدید دولت در ساعات پایانی چهاردهم مرداد ۱۳۹۷ ایراد شد، دیده نمی شود شاهه‌ها ار ایں حکایت دارد که دولت کماکان به همان سوگیری‌های سابق اش پای بند است حال آن که وضع اقتصاد ایران در چند ماه احیر، به احتمال سیار قوی، نارتاب ورود رسمی به سطح بالاتری ار بحستین مرحله ار مراحل چندگانه‌ی اوح گیری بحران کنترل باپدیری است اقتصاد ایران، در اثر استلا به گرایشی ساحتاری، اصولاً سال‌ها مستعد بحران کنترل باپدیری بوده است پیش ترها نمی توانستیم پیش یسی کنیم که بحران کنترل باپدیری اقتصاد ایران مشخصاً ار کدام مقطع رمایی و ار محرای کدام متعیر اقتصادی عملاً در حه‌ی بالقوگی اش کاهش و در حه‌ی فعلیت یافتگی اش افزایش خواهد یافت اگر فرصیه‌ی ورود اقتصاد ایران به بحستین مراحل بحران کنترل باپدیری را رویدادهای آتی تایید کند، بعدها نا اطمینان می توان گفت که بحران کنترل باپدیری ار مقطع زمانی بهار و تاستان ۱۳۹۷ و ار محرای کاهش بی سانه‌ی ارزش پول ملی، که معلول عوامل پر شماری است، حرکت پرشتاب در مسیر فعلیت یابی اش را آعار کرد

نا ایں حال، کاهش بی سانه‌ی ارزش پول ملی گرچه به احتمال قوی هم موعده ورود و هم محرای تقرب اقتصاد ایران به بحران کنترل باپدیری را تعیین کرده

است اما به هیچ‌وجه علت بیادای چنین بحرانی نیست بحران کنترل‌ناپذیری معلول هم‌افزایی بحران‌های عدیده‌ی ریسایی‌تری در سپهرهای گوناگون اقتصاد ایران است مشخصاً، تا حایی که فقط و فقط به بازار پول برمی‌گردد، اصلی‌ترین علت درون‌ماندگار کاهش بی‌سابقه‌ی ارزش پول ملی در بهار و تابستان ۱۳۹۷ و از این رو تقرب احتمالی اقتصاد ایران به بحران کنترل‌ناپذیری یقیناً حلق‌حکم بی‌سابقه‌ای از نقدیگی در دهه‌های اخیر بوده است

موضوع بحث‌ام در این‌جا مشخصاً پی‌آمد نقش‌آفرینی حجم عظیم نقدیگی در اقتصاد ایران و تشریح ریان‌بارترین و تیس کم‌ریان‌ترین شیوه‌های رویارویی با آن است ابتدا نشان خواهیم داد چرا این حجم از نقدیگی دقیقاً در برهه‌ی کسویی به عامل تعیین‌کننده‌ای در کم‌وکیف حیات اجتماعی در ایران تبدیل شده است شرح خواهیم داد که چرا ضرورت‌گیر ناپذیر تعیین تکلیف با این حجم از نقدیگی عملاً جامعه‌ی ایرانی را ناانتخاب عمیقاً سیاسی سروشت‌ساری مواحه کرده است که کم‌وکیف حیات اجتماعی آتی در این سرزمین را به نونه‌ی خود رقم خواهد زد سپس چشم‌انداز دو نحوه‌ی رویارویی با این حجم عظیم نقدیگی در اقتصاد ایران را ترسیم خواهیم کرد یکی نحوه‌ی رویارویی متعارفی که دولت‌ها تاکنون برگزیده‌اند و اکنون دیگر استمرار به‌کارگیری‌اش در حه‌ی نالایی از طرفیت فروپاشی فابریک اجتماعی را در بطن خود می‌پروراند، دیگری بیه نحوه‌ی متفاوتی از رویارویی که واحد درحاتی از پتاسیل مهار برحی پی‌آمدهای ویران‌گر نقش‌آفرینی انوه نقدیگی در جامعه‌ی ایران است تاکید می‌کنم که استمرار به‌کارگیری نحوه‌ی متعارف رویارویی با نقدیگی در برهه‌ی تاریخی کسویی یقیناً اقتصاد ایران را به سطح بالاتری از مراحل اولیه‌ی اوج‌گیری بحران کنترل‌ناپذیری خواهد کشاند، امری که چه‌سا پی‌آمدهای ویران‌گر ده‌ها ساله برای حیات ایران به همراه داشته باشد بیروه‌های سیاسی پوریسیون و اپوریسیون ناید از ورود اقتصاد ایران به چنین ورطه‌ی خوفناکی به یک‌سان واهمه داشته باشد

اجتناب‌ناپذیری رویارویی با انوه نقدیگی

نگاهی بیداریم به مسیر طی‌شده افزایش حجم نقدیگی در اقتصاد کشور طی

دهه‌های اخیر همواره مسبب اسباط پرشتاب تقاصای کل اسمی اقتصاد کلان شده است. نقدیگی، در حکم ابرار قدرت خرید در بازارهای داخلی، وسیله‌ی شکل‌گیری تقاصای کل اقتصاد کلان است اما، مقابل این حجم از نقدیگی و از این رو تقاصای کل در بازارهای داخلی، تحرصه‌ی مسیر طی‌شده نشان داده است که، در اثر حصلت‌های ساختاری در اقتصاد ایران، عرصه‌ی کل اقتصاد کلان از طریق تولید داخلی در درازمدت نمی‌توانسته است در بهترین حالت بیش از حدود شش درصد افزایش یابد^۱ از این رو، با فرص ثبات سسی سرعت گردش نقدیگی در درازمدت، شکاف بین تقاصای کل و عرصه‌ی کل اقتصاد کلان به این گرایش داشت که با افزایش سطح قیمت‌ها پر شود بحشی از این شکاف بین تقاصای کل و عرصه‌ی کل طی دوره‌های رونق نفتی با بهره‌گیری از لنگر اسمی برح ارز و اتحاد سیاست‌های درهای نار در تجارت خارجی و از این رو اتکا بر واردات پر می‌شد با تکیه بر واردات کالاها و خدمات خارجی و افزایش عرصه‌ی محصولات مبادل‌پذیر عملاً عرصه‌ی کل افزایش می‌یافت و با بحران حدی از کسری تولید عملاً بحشی از فشارهای تورمی ناشی از افزایش حجم نقدیگی مهار می‌شد، اما نه در درازمدت چنین امکانی برای مهار فشارهای تورمی طی دوره‌های کسادبختی و از این رو حدوث تراز منفی حساب تجاری حتی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت بیه چندان وجود نداشت افزایش حجم نقدیگی اگر با افزایش عرصه‌ی کل اقتصاد کلان، چه از محل تولید داخلی و چه از محل واردات، همراه نمی‌شد دیر یا رود در درازمدت به تورم می‌انجامید از نمودار ۱-۱ می‌توان نتیجه گرفت^۲ که طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۴ روبدهای درازمدت تورم و برح رشد نقدیگی تقریباً با یک‌دیگر هم‌سو بوده است، ولو با قدری وقفه از سمت برح تورم در پی برح رشد نقدیگی

۱. بهرور هادی ربور و افشس برمکی، *از ریایی ساسات‌های پولی و نظام بانکی در ایران چرا نظام بانکی ایران در خدمت توسعه‌ی صصعی و انصصادی نیست؟* (مشهد بوبن طراحان آزاد، ۱۳۹۵) ۹۷

۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره‌ی بررسی‌ها و ساسات‌های انصصادی، بانک اطلاعات سری‌های زمانی، معرهای پولی و اعصاری، نقدبگی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره‌ی بررسی‌ها و ساسات‌های انصصادی، بانک اطلاعات سری‌های زمانی، ساصص‌های قیمت، ساصص‌های کالاها و خدمات مصرفی، ساصص کل بر اساس سال پایه‌ی ۱۳۹۵، و محاصصه‌های بوبسده